

سندسازی‌های شرکت نفت انگلیس برای غارت نفت ایران

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

شدنی است. کشیدن خط لوله به خلیج فارس، در صورتی که مورد رضایت دولت مستبوعان باشد و برای بنده هم ابهامی بر جای نگذارد، معقول‌تر خواهد بود... برخی از ابعاد مسأله خط لوله که تأمین‌کننده علایق دولت شما از لحاظ سیاسی و اقتصادی است، برای ما نیز بیشترین اهمیت را دارد.»^(۱)

این اظهار نظر با توجه به بحث داغ خطوط انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و حوزه دریای کاسپین (مازندران) به غرب که طی چند سال اخیر توجه همه قدرت‌ها و شرکت‌های چندملیتی را به خود معطوف داشته، از اهمیت فراوانی برخوردار است و چنانکه اشاره شد، جا دارد تا به سابقه این مکاتبات دسترسی پیدا شود. باشد که بدانیم هفتاد سال پیش چه مسایلی و طرح‌هایی مطرح بوده و با تغییرات و تحولات سیاسی چه دگرگونی‌هایی در آنها حاصل شده است.

ما اگر می‌توانستیم حجم عظیم و پرشمار پرونده‌ها و سندهای مربوط به کار نفت را که بخشی در اختیار وزارت فلاح و فوائد عامه پیشین، بخشی در اختیار وزارت دارایی، شماری در اختیار وزارت دربار، نخست‌وزیری، شرکت سابق نفت و خدا می‌داند دیگر سازمان‌ها قرار دارد در یک سازمان گرد می‌آوردیم و در یک آرشیو مسلی آنها را گونه‌بندی و طبقه‌بندی می‌کردیم، قادر بودیم هم از دید تاریخی و تحولات آن و هم از بُعد سیاست‌گذاری‌های امروز از آنها بهره بجویم.

شمار فراوانی از سندهای این کتاب از ۵۹ تا ۷۸ به طور عمده مربوط است به مسأله سپردن حق سهم ایران از شرکت نفت به مبلغ ۱/۴۵۰/۰۰۰ لییره به بانک یا بانک‌های مختلف. مدیر کل بانک ملی ایران «دکتر کورت لیندن بلات» آلمانی با اصرار بسیار می‌کوشد تا تیمورتاش و دولت ایران را وادار سازد که حق

«کدمن» رییس کمپانی انگلیس و ایران پاسخ تلگرافی را به او نشان داده که به نظر می‌رسد به امضای شخص رضاشاه در پاسخ تلگراف شرکت نفت مخابره شده است. او در نامه خود می‌نویسد که این امر «موجب تردید برای این جانب شد». لحن نامه حکایت از آن دارد که تقی‌زاده می‌خواهد توجه بدهد که نباید وزارت دربار و شخص شاه وزارت خارجه و سفارت را دور بزنند و بدون اطلاع آنها ارتباط برقرار کنند. به نظر می‌رسد در آن زمان شرایط به گونه‌ای بوده امکان ابراز وجود در برابر رضاشاه وجود داشته و آدمی با مشخصات تقی‌زاده جرأت می‌کرده تا محترمانه، ولی صریح، حرفش را بزند.

سند شماره ۵۸ این مجموعه، سند قابل توجهی است که جا دارد درباره دیگر مدارک و نامه‌نگاری‌های مربوط به آن جستجو شود تا بتوان نقش این شرکت مهندس مشاور را باز شناخت و دانست که برای ایران کار می‌کرده یا در خدمت شرکت نفت بوده است. این سند به موضوعی اشاره دارد که در بقیه سندهای مجموعه به آن پرداخته نشده است. اساس این سند بر روی موضوع کشیدن خطوط انتقال نفت تکیه دارد که رییس شرکت «مهندس مشاور معدن و زمین‌شناسی» به نام «ماکس. ام. دیکن» نظر و پیشنهادش را به تیمورتاش چنین ارائه کرده است:

«... عالی‌جناب مطلع هستید که در حال حاضر، انتقال نفت از طریق سرزمین شوروی از نظر تجاری توسط شرکت‌های آمریکایی مقرون به صرفه نیست. بنابراین دو راه باقی می‌ماند، یکی دریای سیاه، از طریق خاک ترکیه، دیگری خلیج فارس که تماماً تحت کنترل دولت ایران است. از نظر تجاری، کشیدن خط لوله به دریای سیاه، مشکلات جدی مهندسی به دنبال دارد، گرچه این کار

پیشتر، به معرفی و بحث درباره بخشی از سندهای کتاب «نفت در دوره رضاشاه» مربوط به مکاتبات درباره تجدیدنظر در امتیازنامه دارسی که منجر به بسته شدن قرارداد معروف به سال ۱۳۱۲ یا ۱۹۳۳ شد، پرداختیم. با توجه به اهمیت این سندها، اینک کار معرفی و بحث درباره شمار دیگری از آنها را پی می‌جویم.

سند شماره ۵۳ به تاریخ ۱۳۰۸/۸/۱۹ مربوط است به نامه وزارت «فلاح و تجارت و فواید عامه» به وزارت دربار درباره بی‌توجهی شرکت نفت ایران و انگلیس به حفظ منافع ایران در کار حفاری در مناطق مرزی ایران و عراق. این نامه حکایت از آن دارد که «کلاپ» متخصص و کارشناس نفت که در استخدام ایران بوده با توجه به وضع زمین‌شناسی منطقه مرزی «نقطه خانه» بین ایران و عراق، در مورد زدن چاه‌های استخراج نفت اظهار نظر می‌کند که شرکت نفت با بهره‌برداری از چاه‌های عراق که در فاصله چند «ذرعی» خط مرزی زده شده، نفت منابع ایران را به یغما می‌برد که برای ایران با همان فاصله از مرز، چاه‌های استخراج زده شود و مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. این نامه حکایت از آن دارد که مسئولان حکومت به جنبه‌های مختلف امر توجه داشته‌اند و با استخدام کارشناسان نفتی بر آن بوده‌اند تا عملکرد شرکت نفت را از نظر فنی نیز مورد بررسی و زیر نظر قرار دهند.

سند شماره ۵۶ به تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۸ نامه‌ای است از سوی تقی‌زاده سفیر ایران در لندن به وزارت دربار که قابل توجه است. تقی‌زاده در این نامه به وزیر دربار توجه می‌دهد که لازم است صورت تلگراف‌های رد و بدل شده با شرکت نفت برای سفارت در لندن فرستاده شود. او زیرکانه اشاره می‌کند که

سهم مزبور را در بانک‌های مختلف به صورت سپرده بگذارند. در این مجموعه اسناد شاهد آنیم که کوشش می‌شود تا ترتیبی داده شود که سود بیشتری از بانک‌ها دریافت بشود و سرانجام نیز مبلغ مزبور در بانک‌های انگلیس، آلمان، بلژیک و فرانسه سپرده‌گذاری می‌شود. پرداختن به متن این سندها کاری تخصصی است که باید به وسیله یک صاحب‌نظر بانکداری مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. ولی در مجموع می‌توان گفت که مدیر کل آلمانی بانک ملی ایران هوشمندانه موفق می‌شود تا در کنار سپردن بخشی از آن مبلغ به بانک‌های آلمان که سود بیشتری می‌پرداخته‌اند، برای جلوگیری از هرگونه ریسکی که از وابستگی به بانک‌های یک کشور ناشی می‌شده با چند مرکز فعال بانکی و بانک‌های معتبر رابطه برقرار کند. به اعتبار این نامه‌ها نشانی از آن نمی‌یابیم که شخص رضاشاه یا تیمورتاش با استفاده از قدرت و موقعیت خویش رشوه‌ای گرفته باشند و بانکی را تحمیل کرده باشند.

از کیسه چپ به کیسه راست!

سند شماره ۸۲ مربوط است به اظهارنظر میرزا عیسی‌خان فیض‌نماینده ایران در شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن درباره مسأله مالیات شرکت نفت در پیوند با نظام مالیاتی ایران. به اعتبار این نوشته مشخص می‌شود که دولت ایران باب گفتگو را با شرکت نفت درباره گرفتن مالیات از درآمد آن شرکت می‌گشاید. شرکت نفت به استناد فصل هفتم امتیازنامه داری خود را از پرداخت مالیات معاف اعلام می‌کند، ولی مورد قبول دولت ایران قرار نمی‌گیرد. میرزا عیسی‌خان فیض با صراحت اعلام می‌کند که با توجه به متن قرارداد شرکت نفت از مالیات معاف است و اگر دولت آن را به حکمیت ارجاع کند رأی به نفع شرکت داده خواهد شد، ولی در همین نامه او با پیشنهاد پرداخت مالیات مقطوع یکصد هزار لیره برای پنج میلیون و نیم تن نفت خام مخالفت می‌کند و با آوردن دلایل مختلف نشان می‌دهد که قبول پیشنهاد مزبور به سود ایران نیست و در برابر پیشنهاد می‌کند که: «پس برای این‌که تخمیناً



یک نمونه مهم حساب‌سازی شرکت نفت پسرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که چگونه یک شرکت صوری به نام «فرست اکسپلویژیشن» از سوی شرکت نفت بنیان می‌گیرد تا شرکت بتواند به یاری آن برای دولت ایران حساب‌سازی

کند و در مورد پرداخت حق سهم واقعی به ایران طفره برود. میرزا عیسی‌خان در این باره چنین می‌نویسد:

«... شرکت فرست اکسپلویژیشن سالی شش میلیون نفت خام استخراج می‌کند! پس با نفت خود چه می‌کند؟ آن را به شرکت نفت انگلیس و ایران در سر چاه می‌فروشد، ولی این دو شرکت در معنی و نفس الامر یکی هستند و تابع یک اداره می‌باشند. اما به ملاحظاتی چند که عجالتاً از موضوع این راپرت خارج است، برحسب ظاهر، اسامی مختلف و دفتر و دستک علیحده و جداگانه دارند. پس ظاهراً کمپانی اصلی که شرکت نفت انگلیس و ایران باشد، از کمپانی فرعی که فرست اکسپلویژیشن است، نفت خام را به هر قیمتی که دلخواه خودش باشد خریداری می‌کند. بدین معنی که نفت خام متعلق به خود را از خود به ثمن بخش به طور مصنوعی ابداع نموده، از کیسه چپ به کیسه راست می‌ریزد!؟»

معلوم کنیم که عایدات کمپانی در ایران به چه مبلغ بالغ می‌شود و به طوری که مک لین تاک پیشنهاد می‌کند، ناچار باید با کمپانی قرارداد مخصوص منعقد نمود که عایدات هر یک تن نفت خام و حمل آن به وسیله لوله و تصفیه آن در آبادان معین شود و به تناسب افزایش کمیت نفت خام و گرانی و ارزانی مواد مشتقه قابل قبض و بسط باشد که در مواقع مقرر آن را کاست یا افزود...» (۲)

سپس درباره صحت ارقام عایدات شرکت نفت که به دولت ایران داده شده با صراحت می‌نویسد: «راجع به صورت تقدیمی کمپانی از عایدات خود در ایران که مقرر فرموده بودند در ارقام آن دقت نموده صحت و سقم آن را معروض دارد به طوری که در فوق اشاره شد، سرجان کدمن و سایر رؤسای شرکت به این مسأله کاملاً مقر و معترف‌اند که این صورت من عندی و فرضی و مصنوعی است و مقرون به صحت نمی‌باشد...» (۳) در ادامه گزارش، او از

چنان که اگر به راپرت مک لین تاک، ضمیمه قرارداد آرمیتاج اسمیت، صفحه ۲۷، سطر چهارم به بعد مراجعه فرمایند، ملاحظه خواهند فرمود که قیمت هر یک تن نفت خام به شرکت فرست اکسپلویژن از یک شلینگ و هشت پنس الی دو شلینگ و نیم زیادتر پرداخت نشده و حال آن که در آن موقع قیمت واقعی نفت خام در بازار دنیا شاید متجاوز از دو لیره بوده است!!

لذا عایدات شرکت فرست اکسپلویژن صورت خارجی ندارد، بلکه حساب سازی و مصنوعی و فقط برای نگاهداشتن ظاهری دفاتر است و پس و بدین دلیل صورت تقدیمی کمپانی را به هیچ وجه نمی توان مأخذ و مدرک مالیات عایدات قرارداد و از همین نقطه نظر است که کمپانی می خواهد مبلغی به طور مقطوع بپردازد و خود را خلاص کند!!!!!! (۴)

این گزارش نشان می دهد که کمیسر ایران در لندن فرد آگاه و مسلطی است و قادر بوده از خم و خم مسایل سر در بیاورد و مقام های تصمیم گیر دولت را در جریان قرار بدهد.

احساس نمی شود که گزارش ها از داخل دولت به بیرون درز کند و به دست مقام های شرکت نفت برسد. احساس می شود که تلاشی همه جانبه برای دریافت حق سهم بیشتر، بستن مالیات بر درآمد شرکت و به اعتباری کوشش برای حفظ منافع ملی مطرح است و از جیره خواران سر سپرده نشان روشنی نمی بینیم.

سند شماره ۸۴ و ۸۴/۱ مربوط به گزارش «گرینهوس» به تیمورتاش، از دو جهت قابل توجه است. نخست آن که نشان می دهد تیمورتاش از شرکت نفت خواسته بود تا فروش نفت و فرآورده های آن را در ایران ارزان کند و از قیمت آن بکاهد. دو دیگر در این گزارش میزان مصرف نفت و بنزین ایران در سال ۱۳۰۹ خورشیدی آورده شده و نکته جالب آن که میزان فروش نفت و بنزین تولید شوروی در ایران در آن زمان ۲/۶۰۰/۰۰۰ گالن بیشتر از تولیدات شرکت نفت انگلیس و ایران بوده

است. به این ترتیب که مجموع مصرف بنزین در ایران در آن سال ۵/۰۰۰/۰۰۰ گالن و نفت ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ گالن بوده که فقط ۳/۰۰۰/۰۰۰ گالن بنزین و ۳/۲۰۰/۰۰۰ گالن نفت آن مربوط به شرکت نفت انگلیس و ایران بوده و بقیه، مانند پیش از استخراج نفت در ایران، از روسیه یا شوروی تازه شکل گرفته تأمین می شده است. (۵) مسئول پخش و فروش شرکت نفت در پاسخ تیمورتاش یاد آور می شود که بخش عمده قیمت نفت و بنزین مربوط به هزینه حمل و نقل و نشت آن است و به همین دلیل به سود شرکت نیست که بخواهد تمامی ایران را زیر پوشش خود ببرد و ترجیح داده می شود که سراسر شمال و غرب همچنان از نفت روسیه استفاده کنند که با هزینه کمتری در آن نواحی توزیع می گردد.

با تلاش های گسترده در زمینه جاده سازی و ساختن راه آهن در ایران با بودجه ملی، شرکت نفت انگلیس و ایران بدون کوچک ترین هزینه ای در این راه از امکان های فراهم آمده بهره می جوید و به تدریج شبکه پخش خود را توسعه داده و ورود نفت از روسیه محدود و محدودتر می شود. پدیده ای که از سوی دیگر منجر به قطع رابطه بخش های عمده ای از شمال و غرب کشور با شوروی می گردد و روس ها از نظر حضور در چرخه بازرگانی در ایران با بن بست مواجه می شوند و امکان نفوذ در صحنه سیاسی ایران را از دست می دهند و به ناچار با تکیه بر صدور ایدئولوژی به یاری جمعی کم شمار، روابط دو کشور وارد مرحله عدم اعتماد گسترده تر می شود و دستگاه پلیسی رضاشاه با

همه توان خود می کوشد تا از طرح دیدگاه های کمونیستی در ایران جلوگیری به عمل آورد، پدیده ای که به هیچ وجه با سیاست توسعه طلبی شوروی و علاقه آن به این که ایران را باید در حوزه نفوذ خود داشته باشد سازگار نبود. به اعتباری می توان گفت برخلاف گذشته که روسیه نزاری همگان با انگلیس در تمامی زمینه ها حضوری مؤثر و چشم گیر و علنی در ایران داشت، در این مرحله با وجود مرزهای گسترده با ایران، راه های نفوذ آن به میزان زیاد سد گردیده و در برابر انگلستان، به یاری شرکت نفت توانست در میان گروه های مختلف، به ویژه دولتمردان و شماری از وکلاء و روزنامه نگاران بر نفوذ خویش بیفزاید.

زیرنویس ها:

- ۱- نفت در دوره رضاشاه، ص ۱۷۵.
- ۲، ۳ و ۴- همان، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.
- ۵- همان، ص ۲۴۴.

مؤسسه فرهنگی آموزشی زبان سرا



نماینده انحصاری دانشگاه آکسفورد (OUP) و مرکز آموزش و آزمون های LCCI (بازرگانی لندن)

آمادگی خود را جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می دارد:

- دوره مهارتی کاربردی ترجمی زبان انگلیسی با مدرک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلاس های مکالمه ۱، ۲ و ۳ روز در هفته
- کلاس های مکالمه گرامر ۳ روز در هفته
- کلاس های مکالمه زبان فرانسه ۳ روز در هفته
- کلاس های تک جلسه موضوعی زبان انگلیسی
- تورهای آموزشی - تفریحی نیم روز و یک روزه به زبان انگلیسی
- کلاس های تلفظ و آواشناسی زبان انگلیسی
- برگزارکننده انحصاری آزمون ELSA و سایر آزمون های انلیق بازرگانی لندن LCCI با اعطای دیپلم رسمی از انگلستان (معتبر در ۸۰ کشور جهان و مورد قبول بیشتر دانشگاه های اروپا)
- عرضه کننده جدیدترین کتب، نوار و فیلم های آموزشی از دانشگاه آکسفورد
- تنها سازنده لابراتوارهای کامپیوتری و الکترونیکی زبان به تأییدیه سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران و تنها صادرکننده سیستم لابراتوار زبان به خارج از کشور

دفتر مرکزی: تهران، خ انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۲۷
 تلفن: ۶۴۶۸۲۰۵ - ۶۴۶۲۶۱۲ - ۶۴۰۱۲۳۷ - ۶۴۰۱۷۱۱۹ - ۶۴۴۱۷۱۵۲ فاکس:
 Email: zabansara@ravan.com